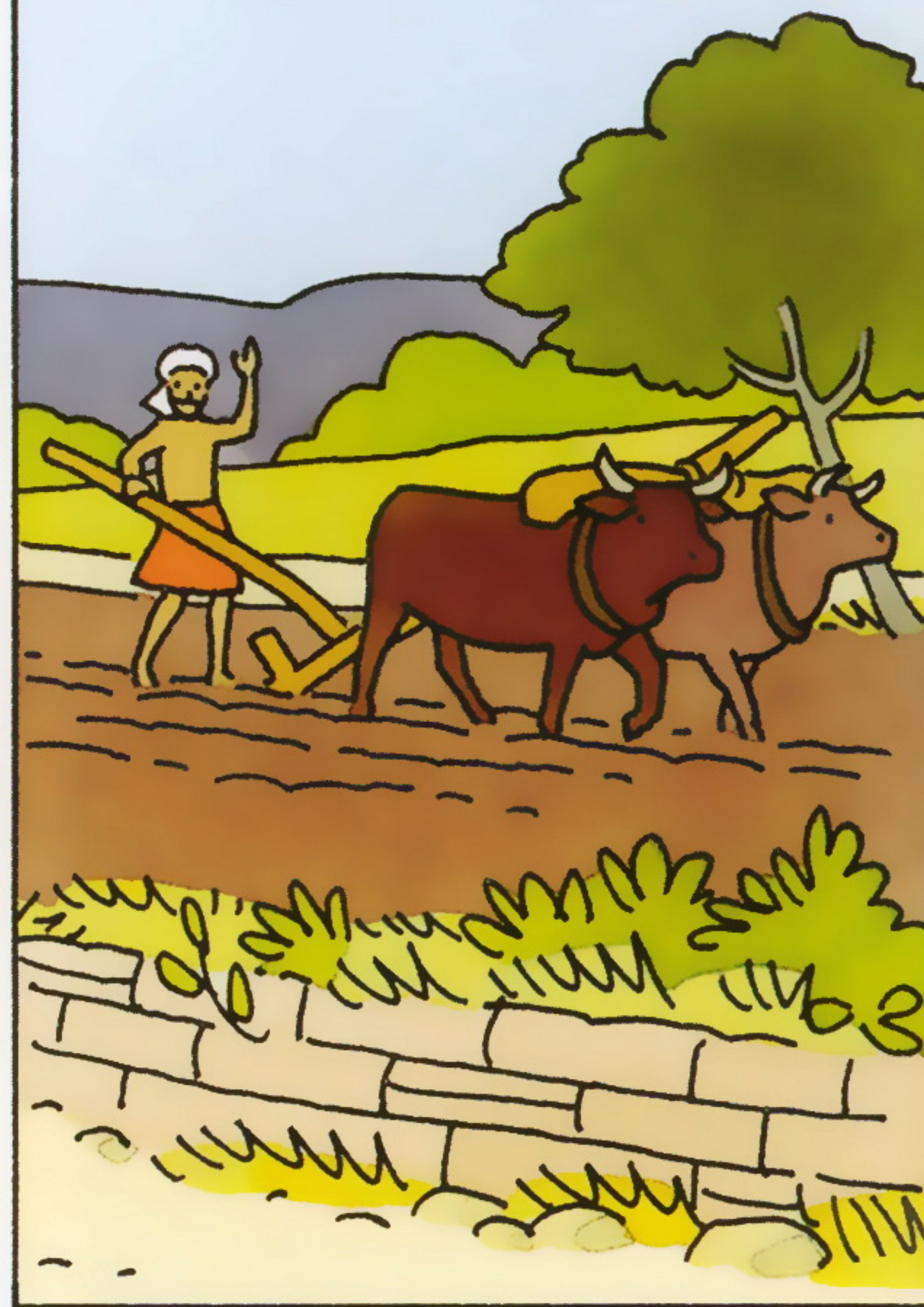


پس از مدتی در پیاپان، عیسی به ناصره پدر می گردد، چایی که در آن بزرگ شده بود.



(( در کنیسه ناصره ))

(لوقا ۴: ۱۶-۲۲)



او برای خواندن تورات بلند می شود؛ و کتاب اشعیا نبی را به او می دهند.



روز سبت، او به کنیسه می رود.





او کتاب را باز کرده و این بخش را پیدا می کند:



روح خداوند بر من است زیرا که مرا  
مسح کرده است. او مرا فرستاده  
است تا خیر خوش را به تهیدستان  
برسانم.

عیسی کتاب را بر می گرداند و می نشیند. چشمهای همه  
به او دوخته شده است.



این سخن کتاب مقدس که الآن آن را  
شنیدید امروز به انجام می رسد.



و همه از سخنان پر فیضی که از دهان او پیرون  
می آیند، تعجب می کنند...